

ادامه مطلب یادداشتهای بی تاریخ.... از صفحه ۲۲

آیا این اتفاق در تاریخ آمریکا بی نظیر نبود. در یک طرف بحران ورشکستگی اقتصادی و در طرف دیگر رأی اعتماد به او بام؟

- این اتفاق قبلاً هم برای ما افتاده است. در ۱۹۳۰ طلوع روزولت شباهتی غریب به وضع حاضر داشت. منتهی این بار یک عامل دیگر هم به کار انتخابات افزوده شد؛ عامل نژاد.

ده سال پیش شما جمله معروفی در مورد بیل کلینتون گفتید. در آن جمله شما کلینتون را اولین رئیس جمهوری سیاه ایالات متحده خواندید. آیا در زمانی که این حرف را زدید هرگز فکر می کردید که واقعا امکان دارد که یک سیاه پوست حقیقی به ریاست جمهوری آمریکا برسد؟

- هرگز فکر نمی کردم. من این حرف را در مورد بیل کلینتون به آن جهت نوشتم که افکار عمومی آمریکا با او مثل یک سیاه پوست مواجه شده بود و من اولین کسی نبودم که این طرز برخورد افکار عمومی را احساس می کردم.

خاطر تان هست که دانشجویان سیاه پوست در هواداری از او در خیابانها فریاد می زدند: «ای هوار با کلینتون مثل یک سیاه پوست کنار خیابان برخورد می شود». این طرز فکر چشم انداز جالب توجهی را به سوی همه گشود. معلوم شد که سیاه و سیاه بودن موضوع یک گفتمان سیاسی است نه موضوع رنگ پوست. سیاه بودن در طرز فکرها جا دارد، بعضی ها، بعضی دیگر را بدون آن که سیاه پوست باشند، سیاه می بینند. باراک اوباما نمی تواند سفیدها را آنطور که یک آفریقایی - آمریکایی متوسط می بیند، ببیند. این غیر ممکن است. نه به خاطر آن که مادرش سفیدپوست بوده است بلکه بیشتر از جهت محیط تربیت و کسانی که او را پرورش داده اند و خانواده مادریش. او هرگز مثل جسی جکسون نمی تواند باشد. نسل مبارز سیاهان برای حقوق مدنی و شهروندی از جای دیگر آمده است. تجربه اوباما با سیاهان مبارز دیگر، کاملاً متفاوت است و من می فهمم که چرا او نمی خواهد این تجربه را فراموش کند. این، آن سیاهان واقعی بودند که به زندان رفته اند، کتک خورده اند اما دلیل مبارزه آنها کسی مانند اوباما بوده است.

برای آمریکا داشتن یک رئیس جمهور سیاه چه معنی دارد؟ - هنوز تصورش برایم سخت است. اما در هر حال، یک امر استثنایی و فوق العاده است. ریاست جمهوری اوباما هزارها پیامد به همراه خود دارد. اصل ماجرا به میتولوژی ما برمی گردد؛ فلسفه به وجود آمدن آمریکا که می گوید: «فقیران خود را به سوی ما بفرستید. مهاجران خود را به نزد ما گسیل دارید. ما یک دموکراسی هستیم. با همه جای دیگر دنیا فرق داریم. ما همه دنیا را داریم.» انتخابات این دوره می تواند افسانه پریان آمریکا را به حقیقت

مبدل سازد. یک مملکت باید بتواند به قد و قامت شعراهایی که می دهد برخیزد. و ظواهر امر نشان می دهد که آمریکا آماده این کار است و قابلیت آن را دارد. قهرمانان رویارویی بچه جوانهای ده پانزده ساله سیاه در زاغه ها تا حال، ورزشکاران و موزیسین های معروف بوده اند. اما حالا یک رئیس جمهور هم سیاه خواهد بود. این معنای بسیاری از تصورات را عوض خواهد کرد.

به نظر شما آمریکایی بودن در سال ۲۰۰۸ چه حال و تعبیری دارد؟ - بسیار سخت و نامطلوب و دست و پاگیر است.

این هم از عجایب آمریکاست که برای برخی، شهروندی آن اسباب سرشکستگی است و برای گروهی سبب افتخار. البته افتخار در حال دفاعی.

- نه، این شهروندان افتخار نمی کنند. از عظمت آمریکا چه باقی مانده است؟ می توان آن را دوباره باز یافت؟

- من تصور می کنم که آری. اما مسلماً همه چیز به آن صورت که بود نخواهد بود. کره ارض عوض شده است. اقطاب قدرت دیگری در جهان پدید آمده اند.

با اینهمه نطق اوباما در مورد افتخارات و عظمت گذشته آمریکا بسیار شبیه به سخنان روزولت بود. این عظمت را چه کسانی به وجود آوردند و بنا نهادند؟

- بی شک نوعی تکروری های بلند پروازانه در خلق آن مؤثر بوده است. در عین حال «همبستگی ملی» وقتی مشکلی پیش می آید، از نشانه های عظمت ماست.

ایمیل به این برتری و عظمت همچنان به قوت خود باقی است؟ - بله، جایی که اوباما می گوید: «ما از آمریکای سرخ و آبی به اعتبار جمهوریخواهان و دموکراتها حرف نمی زنیم، ما از ایالات متحده آمریکا می گوئیم، ما باید متحد باشیم»، حرف او درست است. او از مرزهای رنگ و نژاد عبور می کند. به جوهر تربیت مدنی و حق شهروندی می رسد.

مارتین لوتر کینگ هرگز مبارزات خود را بر اساس مسائل نژادی قرار نداد. نبرد او علیه نابرابری ها بود.

- حق با شماست. من فیلمی از او دیدم که در کلیسایی لبریز از پیرمردان سفیدپوست سخن می گفت و آنان را مخاطب قرار داده بود که: «من و شما هر دو یک سرنوشت مشترک داریم.» و در آن حال حضار سفیدپوست به شدت می گریستند. او مردی نبود که بتوان به خاطر نژادش وی را مورد توجه قرار داد. او مرد برابری ها بود.

در تفکر آمریکایی آن رؤیای مارتین لوتر کینگ به این تعبیر می شود که هر کس می تواند در ترقیات اجتماعی تا هر جا که استعداد دارد بالا برود.

- کاملاً درست است. این یکی از ارزشهای بزرگ

جامعه آمریکاست که در آن شایستگی قدر می بیند و اوباما محصول همین نحوه فکر و برخورد است. همچنانکه خود من، و این را می توان در مورد بسیاری آدمهای دیگر تعمیم داد که اگر آنها در جایی دیگر و جامعه ای دیگر بودند به این درجات نمی رسیدند. البته منجمد کردن این فکر هم خطرات خود را دارد. چیزی که به آن آمریکا نیتز شدن می گویند.

تصور می کنید که آمریکا می تواند یک کشور متعارف و نرمال بشود؟ - منظورتان این است که بگویید مملکتی بشود که نخواهد صاحب دنیا باشد؟

بله. اگر حکومت اوباما درست ساخته شود ما بخت پختگی جهانی را خواهیم داشت و می توانیم جای استحقاقی خود را باز یابیم. البته این کار در شرایط حاضر بسیار وقت گیر است.

صدای کیست؟

آخرین سروده سیمین بهبهانی

«اگر به باغ نباشی درخت سخت تناور،

چو برگ در تف توفان دهن کجی کن و بگذر

گرت به خنجر دشمن نشد مقابله ممکن،

تو را معامله باید بر آن چه هست میسر

گر از مظلوم جاری به تن حریر نداری،

ز دوش حاکم ظالم ردا به حیلہ بر آوری!»

«صدای کیست که این سان دهان گشوده به پندم؟

سزد که لال کنی دیش که گشته گوشم ازو کرا!

من این میانه طلب را چو نقطه هیچ شمارم؛

که سمت و سوی ندارد درین محیط مدور.

چه لازم است تعامل به دشمن از سر سازش؛

ازین معامله جز شر چه حاصل است مقدر؟

مرا به یاوه مترسان ز برق خنجر بران؛

که پیش تیغ زبانه شکسته صولت خنجر!

اگر حریر نبوشم، به حیلہ نیز نکوشم؛

مرا لباس شرف بس؛ چه جای جامه ی دیگر؟

من آن تمام پسندم که هیچ یا همه خواهم؛

به هیچ راضیم، اما سخن مگوی ز کم ترا!

به مهر، صادق صادق، به قهر، آینه ی دق؛

دو کفه با دو مخالف نشسته اند برابر.

به هست و نیست نظر کن که مطلقند و مسلم؛

ازین دو واژه نیایی مراد و معنی ی دیگر.

اگر درخت نباشم، بگو که صاعقه باشم،

که نیست را بنشانم میان اول و آخر.»

۲۸ سپتامبر ۷۵۰۸ مهر ۸۷

نصیحت حاج دکتر آقا به باراک اوباما یکی از دوستان متن نامه و پیام رئیس جمهوری احمدی نژاد را به نقل از سایت تابناک که گویا توسط گروه سردار محسن رضایی اداره می شود، برایم فرستاد. پیام را تازه تمام کرده بودم که زنگ زد و گفت:

- فلائی، چه فکر می کنی؟

جواب دادم:

- دارم به این پیام تبریک سرشار از نصیحت و دلالت و متکی به این کنایه که پیام با آن ختم می شود، فکر می کنم.

«از خداوند متعال برای آحاد بشریت و همه ملت ها

سعادت، سلامت، سربلندی و رفاه و برای حاکمان و

مدیران جوامع عبرت آموزی از گذشتگان، اغتنام

فرصت خدمت، بسط مهرورزی، رفع ظلم و برپایی

عدالت و رعایت دستورات الهی مسألت دارم.»

- خوب که چی؟

- خوب حاج دکتر آقا دلش خواسته نصیحت بکند.

- آخر فلسفه این نصیحت کردن چیست؟ چرا ما فکر

می کنیم که حق داریم همه را نصیحت کنیم؟

در جوابش گفتم:

- استاد مهربان و با فضیلت من، دکتر پرویز ناتل

خانلری این نکته را که سالهای پیش، پس از مرگ

دوستش صادق هدایت درباره طنز او در مجله سخن

چاپ کرده بود یک بار با بیان شیرینش برای من تکرار

کرد. او گفت: «هدایت می گفت ملت شریف ایران

شبهت غریبی به لوله خمیردندان دارد تا زورش می

دهی از آن پماد نصیحت و کف هدایت بیرون می آید

و همین...»

رفیقم گفت:

- آه، حالا فهمیدم...

تمام پسندی

آخرین شعر سیمین خانم بهبهانی در حالی به دست من رسید

که در گوشه و کنار هیات های رنگارنگ مبارزه به فکر

این هستند که با لبخند دو پهلوی رئیس جمهور رنگین

پوست آمریکا چگونه کنار بیایند.

در این روزها بسیار به این بنده گفته شده است که با

شکستن سبوی جمهوریخواهان و ریختن پیمانۀ آقای بوش

دولت جدید راه دیگری را برای مذاکره و معامله با دولت

جمهوری اسلامی انتخاب خواهد کرد و در این راه از

کسانیکه در این سالها به نحوی با آن ولایت سلام و علیکی

داشته اند کمک خواهند خواست که بدون لطمه به اصل

«ولایت» وسیله آشتی کنان را فراهم آورند. به نظر می

رسد که در ایران هم میانه روها دارند زیر پای افراتیون را

جارو می کنند منتهی با این شرط که مادام که مقام معظم

رهبری در قید حیات است به ایشان و حیاط خلوتشان کسی

کاری نداشته باشد.

دنباله مطلب در صفحه ۴۵



علی محمدی
President

SFC
Silicon Financial Corp.
Real Estate Loans - Refinance - Purchases

مشاوران وام و املاک

تیم مجرب، آگاه و پر تلاش

۱-۸۸۸-۹۷۸-۵۶۲۶



رزی بیگری
Broker

برای خرید و فروش زمین، ساختمان مسکونی و تجاری و همچنین
برای دریافت وام با مشاوران با تجربه و آگاه تماس حاصل فرمایید.

انواع وام های بدون دستمزد و بدون خرج

خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری و تهیه املاک و زمین جهت سرمایه گذاری
با تخصص در اخذ وام های ساختمانی (Construction) و زمین های مسکونی و تجاری

Give Us A Chance To Beat Any Advertised Rates!



(408) 244-0555

922 Saratoga Ave., Suite 100, San Jose, CA 95129

